

تاب‌آوری

گذار به اقتصاد فناوریانه؛ شرط لازم تاب‌آوری اقتصادی در ایران



سید مهدی طبیب زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
و رئیس شورای سیاست‌گذاری فصلنامه سپهر اقتصاد کرمان

/// در دوران پرنوسان اقتصاد جهانی و با شدت گرفتن بحران‌های مختلف از تحریم‌ها و بی‌ثباتی‌های ساختاری تا شوک‌های طبیعی و ژئوپلیتیکی، مفهوم «تاب‌آوری» به یکی از کلیدواژه‌های اساسی در ادبیات اقتصادی جهان و به تبع آن در ایران تبدیل شده است. تاب‌آوری نه به معنای مقاومت صرف در برابر بحران، بلکه به عنوان توانایی تطبیق‌پذیری، بازسازی و ادامه مسیر در شرایط متغیر و دشوار تعریف می‌شود. این ویژگی، بویژه در بخش‌های راهبردی و سرمایه‌بر همچون صنعت و معدن، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ چراکه بقای آن‌ها نفت‌ها بر اشتغال و تولید ناخالص داخلی اثر می‌گذارد، بلکه نقش مستقیمی در ثبات ارزی، امنیت اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های کشور دارد. برخلاف آنچه گاه تصور می‌شود، تاب‌آوری صرفاً به منابع طبیعی و مالی وابسته نیست، بلکه نتیجه یک زنجیره بهم‌پیوسته از برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی‌های دقیق، اصلاح ساختارهای مدیریتی و سرمایه‌گذاری در

نوآوری و فناوری است. زمانی که این زنجیره به‌درستی شکل نگرفته باشد، حتی برخورداری از ذخایر عظیم خدادادی نیز نمی‌تواند ضامن پایداری و رشد باشد. متأسفانه کسب‌وکارهای ایران طی سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی از جمله مشکلات و موانع قانونی، سوء مدیریت، فرسودگی تجهیزات، ناترازی انرژی، ناکارآمدی در مدیریت و بهره‌برداری و اتکای بیش‌ازحد به یارانه‌های انرژی مواجه بوده است؛ این در حالی است که بسیاری از کشورها بدون چنین مزایایی و صرفاً با تکیه بر فناوری‌های نوین و بهره‌وری بالا، توانسته‌اند هزینه‌های تولید را کاهش داده و رقابت‌پذیری خود را در بازارهای جهانی حفظ کنند. با وجود آن‌که ایران از نظر ذخایر منابع یکی از کشورهای غنی جهان به‌شمار می‌رود، اما عملکرد اقتصادی کشور از نظر کارایی، بهره‌وری و بازدهی اقتصادی، با استانداردهای جهانی فاصله معناداری دارد. یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های این ناکارآمدی، بالا بودن هزینه تولید و عدم تکمیل زنجیره‌های ارزش و خام فروشی است بویژه در استان‌هایی مانند کرمان که وابستگی بیشتری به منابع و ذخایر معدنی دارد. متأسفانه با وجود این‌که صنایع و معادن ما در ایران از یارانه‌های انرژی آشکار و پنهان به نسبت زیادی بهره‌مند هستند، اما عموماً توان رقابتی مناسبی در بازارهای جهانی ندارند؛ به عنوان مثال در حوزه معدن هزینه تولید کاتد مس در ایران به ازای هر تن ۳۰ تا ۵۰ درصد در قیاس با کشورهای پیشرو مانند شیلی و کانادا بیشتر است. این تفاوت عمده، ریشه در عواملی دارد که عموماً به ناکارآمدی مدیریتی و ضعف زیرساختی بازمی‌گردد. همچنین، استفاده از ماشین‌آلات قدیمی و با ظرفیت‌های پایین، عدم مدیریت استاندارد و به‌روز ناوگان بارگیری و حمل، نبود سیستم‌های نگهداری هوشمند، موجب اتلاف منابع و افزایش هزینه‌ها شده است. به این مجموعه باید ساختار بوروکراتیک، تصمیم‌گیری‌های ناپایدار و وابستگی شدید به حمایت‌های دولتی را نیز افزود. تداوم این وضعیت نه تنها موجب کاهش تاب‌آوری اقتصادی کشور شده، بلکه سرمایه‌گذاران را نیز نسبت به آینده این بخش مردد ساخته است. امروز در دنیا فناوری تنها یک ابزار جانبی نیست، بلکه به مثابه ستون فقرات افزایش تاب‌آوری عمل می‌کند. کشورهایی که توانسته‌اند در برابر بحران‌های جهانی و نوسانات بازار مواد اولیه ایستادگی کنند، عمدتاً آن‌هایی بوده‌اند که فناوری را در متن سیاست‌گذاری و عملیات خود قرار داده‌اند. جهان امروز، رقابت صنعتی را به میدان «هوش مصنوعی در بهینه‌سازی فرایندها»، «اینترنت اشیا برای مانیتورینگ

لحظه‌ای عملکرد تجهیزات» و «بلاکچین برای شفافیت زنجیره تأمین» کشانده است؛ اما نگاه حاکم بر صنعت ایران همچنان در دوران تولید انبوه با ماشین‌آلات دهه ۶۰ متوقف مانده است. فقدان ساختارهای تحقیق و توسعه (R&D)، ضعف ارتباطی صنعت و دانشگاه و بوروکراسی دست‌وپاگیر، شرکت‌های دانش‌بنیان را به حاشیه برده است. این درحالی است که مدل‌های موفق جهانی ثابت کرده‌اند تاب‌آوری واقعی از مسیر سرمایه‌گذاری روی فناوری و آزادسازی فضای نوآوری می‌گذرد. در چنین شرایطی، اگر سیاست‌گذاران و مدیران اقتصادی کشور به دنبال تقویت واقعی تاب‌آوری هستند، ناگزیر از سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های فناوریانه، انتقال دانش فنی و توسعه نیروی انسانی متخصص خواهند بود. به نظر می‌رسد بهره‌گیری از تجارب موفق بین‌المللی در تدوین نقشه راه و برنامه‌ریزی‌های در راستای تقویت نقش شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق تسهیل حضور شرکت‌های فناوری در پروژه‌های اقتصادی، ایجاد مشوق‌های مالیاتی و حمایت از تجاری‌سازی ایده‌های نوآورانه، ایجاد مراکز نوآوری و نیز تقویت پیوند صنعت و دانشگاه به‌منظور افزایش بهره‌وری و مدیریت هوشمند منابع، آموزش و ارتقاء مهارت نیروی انسانی از طریق بازطراحی آموزش‌های دانشگاهی متناسب با نیازهای صنعت (چیزی مشابه با الگوی آلمان در آموزش دوگانه)، ارائه دوره‌های تخصصی مشترک با صنایع و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی در حوزه تربیت نیروی متخصص می‌تواند علاوه بر مدیریت بهینه منابع و کاهش هزینه‌ها به افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور نیز کمک کند. به علاوه بی‌شک شفاف‌سازی و اصلاح حکمرانی در اقتصاد و مبارزه با فساد، ساده‌سازی فرایندها و تعیین شاخص‌های شفاف برای سنجش بهره‌وری مدیران نیز زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری‌های پایدار و ارتقاء تاب‌آوری اقتصادی است. خلاصه سخن این‌که امروز دیگر تاب‌آوری تنها به معنای پایداری در برابر بحران نیست، بلکه به مفهوم بازآفرینی و تطبیق مستمر با شرایط پیچیده و متغیر است. تحقق این هدف در حوزه‌های اقتصادی کشور بویژه در صنایع پیشران و دارای اولویت بدون عبور از شیوه‌های سنتی مدیریت و بدون سرمایه‌گذاری گسترده در فناوری، امکان‌پذیر نخواهد بود. آینده اقتصاد ایران در گرو آن است که نگاه سیاست‌گذاران، مدیران و فعالان اقتصادی به جای تکیه بر منابع فیزیکی، بر سرمایه انسانی، دانش فنی و فناوری متمرکز شود. تنها در این صورت است که می‌توان به سطح قابل قبولی از تاب‌آوری و رشد اقتصادی پایدار رسید. ///